

سیاست رضاشاه

در متحدالشکل کردن البسه زنان بی‌بضاعت گرگانی



فائزة توکلی



کشف حجاب اجباری زنان ایرانی در نیمه دوم دهه ۱۳۱۰ هجری شمسی با توسل به زور و فشار، تجاوز به خصوصی‌ترین حریم زندگی زنان ایرانی بود. سیاست رضاشاه مخالف با پیشینه تمدن و فرهنگ زنان ایرانی و در تعارض با ایدئولوژی اکثریت مردم ایران بود. او ملی‌گرایی غیرمذهبی مبتنی بر نظام پادشاهی شالوده دولت جدید را پی‌ریزی کرد. «دولت در راستای اجرای کامل این سیاست دستور داد که همه زنان، باید از زنان خاندان سلطنتی که در مراسم رسمی و ضیافت‌ها بدون حجاب ظاهر می‌شدند، سرمشق بگیرند.

بدین منظور در ماه‌های دی و بهمن ۱۳۱۴ هجری شمسی در سراسر کشور جشن‌هایی برای گرامیداشت بی‌حجابی برگزار شد و جراید هر روز گزارش‌های این جشن‌ها و اشتیاق‌های خودجوش! برای اصلاحات را چاپ می‌کردند». (کرونین، ۱۳۸۳، ص ۳۰۰)

واکنش عمومی در برابر بی‌حجابی اجباری دولتی بر حسب هر طبقه و هر منطقه فرق می‌کرد و یک مشکل مهم بیشتر زنان شهری ایرانی آن بود که فاقد فرهنگ پوشاکی ظاهرشدن بدون پوشش در ملاعام بودند. چنان‌که مردان و زنان طبقات بالا در برخی محافل دوستی یا مکان‌های رسمی، با تابعیت از مدهای اروپایی، آرایش و لوازم آرایش چهره و شیوه آرایش موها را که در آگهی‌های تبلیغاتی و مقالات نشریاتی مانند عالم نسوان و انتشارات دولتی به چاپ می‌رسید در مجامع ظاهر می‌شدند.

مجله عالم نسوان از همان سال‌های آغازین انتشار خود، بخشی را به لباس و پوشاک زنان اختصاص داد. چاپ تصاویر لباس‌های زنان و کودکان و ترجمه مقالات زنان آمریکایی درباره آخرین مدهای اروپایی از جمله سیاست‌های حمایت غیرمستقیم این نشریه از بی‌حجابی بود. همچنین این نشریه بانوان را تشویق می‌کرد که لباس‌هایشان را خودشان در خانه بدوزند و لذا الگوهای خیاطی ضمیمه مجله برای زنان طبقه متوسط که توانایی پرداخت دستمزد خیاط لباس‌های آخرین مد را نداشتند از این دوران رایج شد. (رستم کلایی، ۱۳۸۳، صص ۲۶۰ - ۲۵۹)

زنان طبقات پایین و مستضعف جامعه برای تابعیت از این سیاست رضاشاه در شهرهای گوناگون با مشکل مواجه بودند، چنان‌که دستور داده شده بود پاسبان‌ها در کوچه‌ها و خیابان‌ها رورسی‌ها را از سر زنان بکشند و پاره کنند، وزارت داخله برای ترویج سیاست کشف حجاب رضاشاه بر طبق سند شماره ۱ بخش‌نامه‌ای را در تاریخ ۱۳۱۴/۱۱/۲۷ به کلیه شهرستان‌ها ابلاغ می‌نماید مبنی بر اینکه: لباس و کلاه زنانه به زنان فقیر داده شود.

البسه متحدالشکل است که تاکنون چندان بدان ترتیب اثر نداده... تلقی می‌کنند. اینک مهم است نسبت به متخلفین اقدام گردد، اخذ جرایم گشایشی برای آسایش زنان بی‌بضاعت. در این سند اقدامات اداره شهردار گرگان به دنبال بخش‌نامه وزیر داخله در تذکر به شهربانی می‌باشد که چرا با متخلفین البسه متحدالشکل برخورد قاطع و جدی نشده تا از طریق اخذ جرایم در جهت کمک به زنان بی‌بضاعت برای تهیه لباس و کلاه اقدام کنند. سیاست رضاشاه در تمامی شهرستان‌ها با دستورالعمل‌های مشابه اسناد فوق لازم‌الاجرا گردید.

«از نقطه نظر مساعدت به نسوان فقیر و بی‌بضاعت در این موقع نهضت نسوان مقتضی است از محل جرائم مأخوذه از متخلفین قانون البسه متحدالشکل لباس‌های مناسب و ارزان تهیه و بر اشخاص مزبور داده شود در این صورت چنانچه از این بابت وجوهی موجود باشد به بلدیة دستور بدهید که با تصویب انجمن این کار تخصیص بدهند و فوراً لباس و کلاه زنانه خریده به نسوان بی‌بضاعت داده شود و نتیجه اقدامات را اشعار دارند.

از طرف وزیر داخله
به تاریخ ۱۳۱۴/۱۱/۲۷

در سندی منابع کمک مالی به بانوان بی‌بضاعت از محل جرائم متخلفین قانون البسه متحدالشکل ذکر گردیده و نشان‌دهنده آن است که اشخاصی که از قانون فوق تبعیت نمی‌کردند علاوه بر ضرب و شتم، جریمه مالی نیز می‌شدند که بودجه آن از محل این جریمه‌ها برای کمک به تهیه پوشش بانوان بی‌بضاعت، استفاده می‌کردند. این بخش‌نامه به تمامی شهرستان‌ها از جمله به شهرستان گرگان نیز ارسال گردیده است که سند شماره ۲ گواه بر آن می‌باشد. در این سند که در تاریخ ۱۳۱۴/۱۲/۱۱ نوشته شده است آمده است:

اداره شهردار گرگان در جواب نمره ۲۳۶۸ به طوری که ضمن نمره ۶۹۱۰ متحدالمال وزارت داخله ارسال شد به شهربانی نیز تذکر داد، محل تدارک البسه برای زنان بی‌بضاعت جرائم حاصله از متخلفین

نتیجه

کشف حجاب رضاشاه در بین اقشار و طبقات مختلف زنان در شهرها و شهرستان‌های ایران چالش‌های ضد فرهنگی و ضد دینی همراه با زور و اعراب به وجود آورد و دستاورد تمدن باشکوه ایران را که طی قرن‌ها به زنان ویژگی بومی خاصی بخشیده بود، مخدوش کرد. حجاب زنان به لحاظ تاریخی ابتدا برای زنان طبقات بالا مطرح بود، اما زنان طبقات مختلف به تدریج از این امر بی‌رونی کردند و با چنین فرهنگی به مؤانست رسیدند. چنان‌که در مورد زنان اقلیت‌های مذهبی نیز این امر کاملاً مشهود بود. رضاشاه با بدعتی که در جریان مدرنیزاسیون تحمیلی خود در ایران ایجاد کرد، نه تنها بر هویت فرهنگی - مذهبی خدشه وارد نمود بلکه با زور و اجبار و از همه مهم‌تر بنا بر اسناد فوق از محل جریمه‌های مالی که از مردم می‌گرفت در جهت گسترش سیاست خود اقدام می‌کرد و تمامی زنان شهرستان‌ها و حتی زنان ایلات و عشایر را تحت پوشش سیاست خود قرار داد تا جایی که زنان فقیر و بی‌بضاعت را صاحب البسه و کلاه کرد تا چادر را زمین بگذارند و این در حالی بود که پیش از آن کمک در جهت پوشش لباس عادی این زنان از طریق شاه صورت نگرفته بود.

منابع

- اسناد سازمان کتابخانه ملی ایران ۲ برگ سند.
- کرونین، استیفانی، رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین، ترجمه مرتضی نایب فر، انتشارات جام، تهران ۱۳۸۳.
- توکلی، فائزة، «تاثیر روند کشف حجاب رضاشاه بر رکود بازار اصفهان» پژوهشگاه علوم انسانی، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ دانشگاه الزهرا تهران ۱۳۸۹.
- «قدردانی و اطلاعیه»، عالم نسوان ۱ (شهریور ۱۳۰۱) و «مخارج کافی است»، عالم نسوان ۲ (آبان ۱۳۰۱): ۴ تا ۶
- Chehabi, Staging the Emperor,s New Clothes, pp.216, 218 and Baker, "Politics of Dress", p 186.

